

سخن پیامون بنر «بهنرا» و «آقارضا»

نوشته: دکتر محمد چغتائی - لاهور

ترجمه: دکتر محمد ریاض

۱ - زندگانی و هنر کمال الدین بهزاد .

کمال الدین بهزاد مصور و مینیاتورساز ، در میان افرادی قرار دارد که جنبه جهانی دارند و مردم معاصر و افراد اعصار بعد ، علی التساوی هنر ایشان را می ستایند

. . . کمال الدین بهزاد بسال ۸۴۴ هـ . درهرات دیده بجهان گشود و بعد از زندگانی بالنسبه طولانی در هراتجا درگذشت و بپناك سپرده شد (۹۴۲ هـ .). عصر بهزاد ، عصر نگارگری و مینیاتورسازی اصیل ایرانی محسوب میشود و در این زمان هنر نگارگری ایرانی ، از اثرات غیراصیل بکلی پاك بچشم میخورد . در نتیجه فرهنگ پروری و هنردوستی سلطان حسین بایقرا (۸۷۸ - ۹۱۲ هـ .) ، هرات در آن زمان بعنوان کانون و مرکز بزرگ هنر درآمد بود و اشخاص باذوق و قریحه بسیاری از نقاط دوردست بآن دربار کشانده می شدند . میر علی شیر نوائی ملقب به نظام الدین (۹۰۶ هـ .) ، وزیر دانشمند سلطان ، که بعلت نسبت همدستی و دوستی با سلطان در سایر امور کشور دخیل بود ، شاید کمتر کسان اطلاع دارند که علاوه بر قریحه نویسندگی و شاعری درپاریسی و ترکی چغتائی ، در هنر نگارگری هم دستی داشته است . درموزه بوستن امریکا مینیاتوری وجود دارد که در آن يك شیر شرزه پای بند سلاسل نشان داده شده است . در آن تصویر نوشته شده است : «عمل میر علی شیر» ، جالب است که عمل همزبور ، با عمل کمال الدین بهزاد شباهت نزدیکی دارد ، و پیداست که وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا ، از نظر بهزاد استفاده می کرده است . خلاصه محیط زندگانی بهزاد ، برای نمایاندن ذوق و هنر بسیار مساعد بود . خود سلطان بایقرا شاعر بود ، و با هنرمندان مانند بهزاد و سلطان علی خطاط معاشرت داشت . تشویق و ترغیب دانشمندان و هنرمندان ، و کوشش در ایجاد رفاه و آسایش برای این گروه که بوسیله میر علی شیر انجام می شد ، در سایر کتب مهم تاریخی و تذکره می توان مشاهده کرد . سلطان علی و خطاطان دیگران دیوانهای شعرا و آثار نویسندگان را می نوشتند و آنطور که از نسخ خطی کتابخانه های مهم دنیا پیداست ، هنر کمال الدین بهزاد با فرودن تصاویر و مینیاتورها ، کتابهای ترکی چغتائی و پارسی دری را زیباتر و دلانویزتر می ساخت .

از زندگانی ابتدایی بهزاد اطلاعی نداریم از «تاریخ رشیدی» حیدر دوغلت^۱ و رساله خطاطان و نقاشان ، نوشته دوست محمد ، چنین بنظر می رسد که فن مصوری ، بهزاد شاگرد سید روح الله میرک بوده ، ولی در سایر مآخذ ترکی چغتائی اسم استاد وی سید پیر احمد تبریزی آمده

و گویا از دو استاد نامبرده استفاده کرده است. بهزاد به هنرهای مصوری گوناگون آسایبی آشنائی داشته، و آنهمه هنرها را صیغه واحد داده و وتیره خودش ساخته است. مؤسس سلسله چغتاییان شبه قاره، ظهیرالدین محمد بابر پادشاه (۸۸۸ - ۶۳۲ هـ.) در «تروک بابری» خود به توصیف هنر مصوری شاه مظفر و بهزاد پرداخته، و جالب است که هنر اول الذکر را برثانی الذکر ترجیح می‌دهد، ولی شاه مظفر در ۲۴ سالگی در گذشت و برای نمایاندن هنر خود بنحو احسن توفیق پیدا نکرده، البته نمونه‌هایی چند از هنر مصوری وی باقی مانده است.

زندگانی بهزاد بانسب و فرازهای زیاد مواجه شده، ولی هنرمند قوی دست ایرانی، در هر صورت محترم و مکرم مانده و سرپرستان مقام وی، محمد شیبانی خان و شاه تهماسب صفوی، در خاطر نگاهداشتن وی سعی بوده‌اند. باعث یادآوری است که بعد از درگذشت سلطان حسین بایقرا، بهزاد به تبریز رفت و آنجا بعنوان کتابدار شاهي مشغول خدمت شد، و در عین حال فن مصوری را با عده‌ای از صاحبان ذوق و قریحه، یاد می‌داد. در نتیجه مساعی وی، مکتب هنر مصوری و مینیاتورسازی بسبک وی بوجود آمد و تا قرن‌ها باقی ماند. تأثیر هنر بهزاد در کشورهای همجوار، بویژه در شبه قاره هند و پاکستان، امر بدیهی است.

در سال ۱۶۳۱ م نمایش هنر ایرانی، در شهر لندن برگزار شد. در آن نمایش عمل بهزاد در صورت مینیاتوری دیده شد که متعلق به موزه شیراز می‌باشد، و بهزاد هفتادسالگی خود را چنین ابراز داشته است:

«این رقمی است بدایع مشعر از مضمون، افلا یظرون الی الابل کیف خلقت؟، که هم شکسته نهاد فقیر نامراد بهزاد بعد از وصول عمر بدرجه هفتاد و تجربه قوی در این امر افتاد والمسئول من الله العفو فی المعاد».

در مینیاتور اشاره شده، شتری رامی بینیم که پیرمردی او را برای نشستن هدایت می‌کند. هم در آن نمایش دیدیم که مصور هندو بنام «نانهای» در سال ۱۰۱۷ هـ. بامر پادشاه کورگانی شبه قاره، نورالدین محمد جهانگیر، شبیه تصویر شتر و پیرمرد (عمل بهزاد) را ساخته بود. روی این شبیه چنین نوشته شده است:

«الله اکبر. این کار استاد بهزاد را دیده «نانهای» مصور کرده. حسب الحکم من حرره جهانگیر بن اکبر پادشاه غازی ۱۰۱۷ هـ.»

بیان «نانهای»، نفوذ هنر بهزاد را در شبه قاره باثبات می‌رساند. جالب است که جهانگیر پادشاه، مصوری بنام «بشنداس» را به ایران فرستاده بود تا مصوری و مینیاتورسازی سبک بهزاد را از هنرمندان معاصر ایران یاد بگیرد. نکته‌ای دیگر اینست که از تاریخ گجرات «ظفر انواله» بزبان عربی چنین برمی‌آید که هنر مصوری بهزاد در زندگانی آن هنرمند قوی دست به شبه قاره راه پیدا کرده و با استقبال زیاد هنر دوستان این سامان قرار گرفته بود. در مجلد اول کتاب مزبور (ص ۲۴۴) در بیان وقایع جنگ سال ۶۴۱ هـ. (سالی پیش از درگذشت بهزاد) چنین می‌خوانیم:

«هجموعا علی المخیم وبسم تجدوا الا الاشغال. فانتهبوا ما وجدوا حتی الکتب وکان من حملتها تمرنامه بمولانا هاتفی بخط الاستاذ سلطان علی و تصویر الاستاذ بهزاد» . . .

تیمورنامه (تمرنامه) مذکور مولانای هاتفی خرجردی (م ۶۲۷ هـ.) بعداً بظاهر در کتابخانه میرزا عبدالرحیم خانخانان (م ۱۰۳۶ هـ.) واقع در احمدآباد گجرات موجود بود. ساختمان کتابخانه مزبور خانخانان هنوز هم کنار رودخانه سابرمستی (فتح‌واری) وجود دارد. در نمایش هنر ایرانی منعقد لندن، که در فوق بیان اشاره شد، نسخه خطی بسیار ظریف

۱ - این کتاب بتصحیح محقق پاکستانی آقای دکتر حسام‌الدین راشدی بزودی منتشر میگردد.

۲ - قرآن مجید ۸۸ : ۱۷ .

کمال الدین بہزاد مصوفی

اساتذہ تلامذہ و معاصرین اور اس کے

احمد موصی (د) نقی دہلوی

وسط ایشیائی دبستان
تقوۃ المحرمین اساتذہ گون (ع)

عمدۃ المصوبین بہانگیر بخاری (ع)

مولانا ولی اللہ (د)

استاد شمس الدین (د)

سید روح اللہ دیک نقی (د)

پیر سید احمد تبریزی (ع)

مولانا سیدی

جنید بغدادی (د)

سلطان اویس (د)

خواجہ عبدالحمی (د)

سیاد شمس (د)

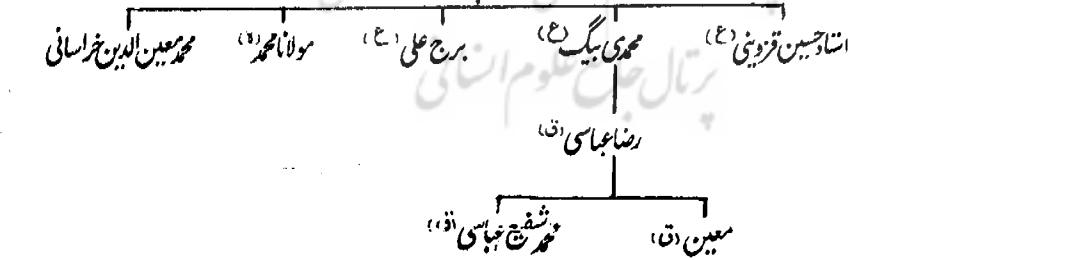
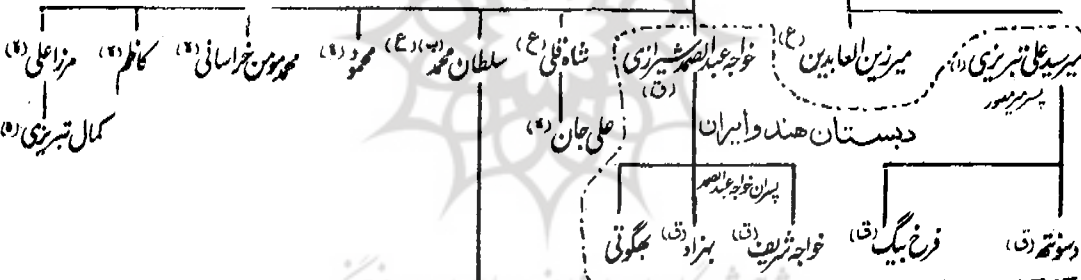
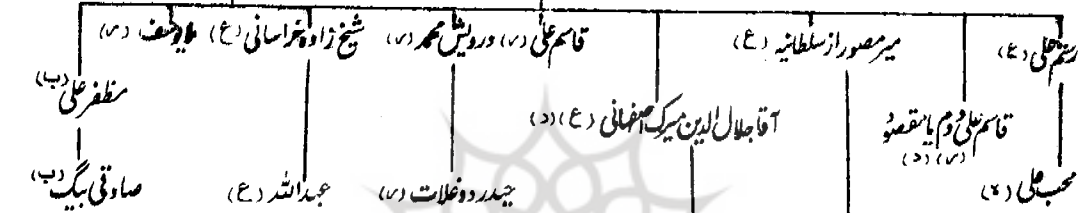
استاد مصوفی (د)

محمد بہرائی (د)

دلی جان (د) صحاب علی (د)

کمال الدین بہزاد ازہرات (ع) (د) (س) (ص)
۹۲۲ - ۹۵۴

شاہ مظفر ۷۷ سال کی عمر میں بغداد (د)



حوالہ جات

ع - مناقب بہزادان
د - سالن نظامان نقاشان قطنینہ
ب - عالم آراء عباسی
ا - نقاسن الآثار

اور نیل کالج میگزین فروری ۱۹۳۲ء و اگست ۱۹۳۳ء میں اقبالیات
تحد سالی 'تاریخ رشیدی اور بہار متعلقہ نقاشان و خطاطان
از پروفیسر محمد شفیع صاحب بھی اس ضمن میں قابل ملاحظہ ہیں

مولانا
عبد اللہ
محمد شفیع

و مصور گلستان سعدی وجود داشت که متعلق به کتابخانه ملی مصر می باشد. سایر تصاویر و مینیاتورهای این کتاب، عمل بهزاد می باشد و امضای آن هنرمند بسال ۸۹۲ هـ و ۸۶۴ هـ. در اوراق آن کتاب دیده می شود. در نسخه خطی خمسه نظامی متعلق به موزه بریتانیا بشماره Add 25.900 مینیاتورهای بس ظریف بهزاد دیده می شود. و امضای مصور بسال ۸۹۶ هـ. روی آن نسخه ثبت است. در آن سالها، بهزاد در هرات مشغول فعالیت بود. . . .

هر کس که بمطالعه دقیق و بررسی هنر بهزاد بپردازد، قریحه خلاق و ذوق مبدع و نو آفرین وی را خواهد سنجد، ولی جای تأسف است که دانشمندان مشرق زمین بطور کلی، مقام بهزاد را بنحو شایسته نشانانده اند. در میان دانشمندان اروپایی، دکتر لارنس بینسن در کتاب «هنر ایرانی» خود بزبان انگلیسی، هنر بهزاد را، با استفاده از نسخ خطی نشان داده شده در نمایش بین المللی هنر ایران در لندن بسال ۱۹۳۱ م، تا حدی معرفی ساخته است. . . .

۲ - آقا رضا مصور

آقا رضا، غیر از رضای عباسی است و کلمه آقا جزو اسم وی بچشم می خورد. اسکندر منشی ترکمان، مورخ دربار شاه عباس اول صفوی (۱۵۸۱ - ۱۶۲۸ م) در اثر خود «تاریخ عالم آرای عباسی»، در فصل خطاطان و خوشنویسان و نقاشان چنین آورده است:

«مولانا علی اصغر کاشی، استاد باقرینه و مصور پاکیزه‌ی ساخت و پرداخت، و رنگ آمیز مفرد، در کورمپردازی و درخت سازی، از اقران در پیش بود. او نیز در خدمت سلطان ابراهیم می بود. در زمان اسماعیل میرزا از اصحاب کتابخانه شد. پسرش آقا رضا در فن تصویر و صورت آرابی و چهره گشایی ترقی عظیم کرده اعجوبه زمان گشت و در این عصر و زمان مسلم الثبوت است. بآن همه تراکت قلم، به زور آزمایی و ورزش گیری هم مشغول است و نسبت به ارباب استعداد، باین گروه زیاد راه جسته، ولی در این عهد نزدیک، از آن هرزه ورزی باز آمده است. البته کار خود نمی شود و تنگ حوصلگی و بد مزاجی بروی مستولی شده است. در طبع وی استغنائی عجیب هست. از خدمت حضرت اعلی شاهی ظل الهی مورد عواطف گردید و رعایت های کل یافت، اما از اطوار ناهنجار خود، صاحب اعتبار نشد و همیشه مقلس و پریشان حال است و این بیت مناسب طبع اوست:

طالبان من همه شاهان جهانند و مرا در صفهان، جگر از بهر معیشت خون شد»^۳
در حالت اشاره شده فوق، آقا رضا به شبه قاره راه پیدا کرد و در بقیه زندگانی خود گویا هوشیار و فعال زیسته است.

آقای پرسوی برون گویا نخستین بار بر مبنای «توزک جهانگیری» باین مطلب پرداخته است که «آقا رضا» و «رضا عباسی» دو شخصیت های جدا گانه می باشند. سرتامس آرنولد فقید هم این مطلب را قبول کرده، ولی در «کتاب اسلامی» خود که با همکاری «پرسور گروهمان» نگاشته، دوباره هر دو مصور هنرمند را یکی فکر کرده است. پادشاه جهانگیر البته در مجلد دوم «توزک جهانگیری» خود ورود آقا رضا را به هندی با صراحت تمام بیان داشته است:

«در این ایام، مصور الحسن ملقب نادر الزمان، تصویر جلوس را برای آرایش صفحه آغاز جهانگیر نامه پیش من آورد. عمل وی با جزالت و مهارت بود و بر حال وی نوازشها گردید.

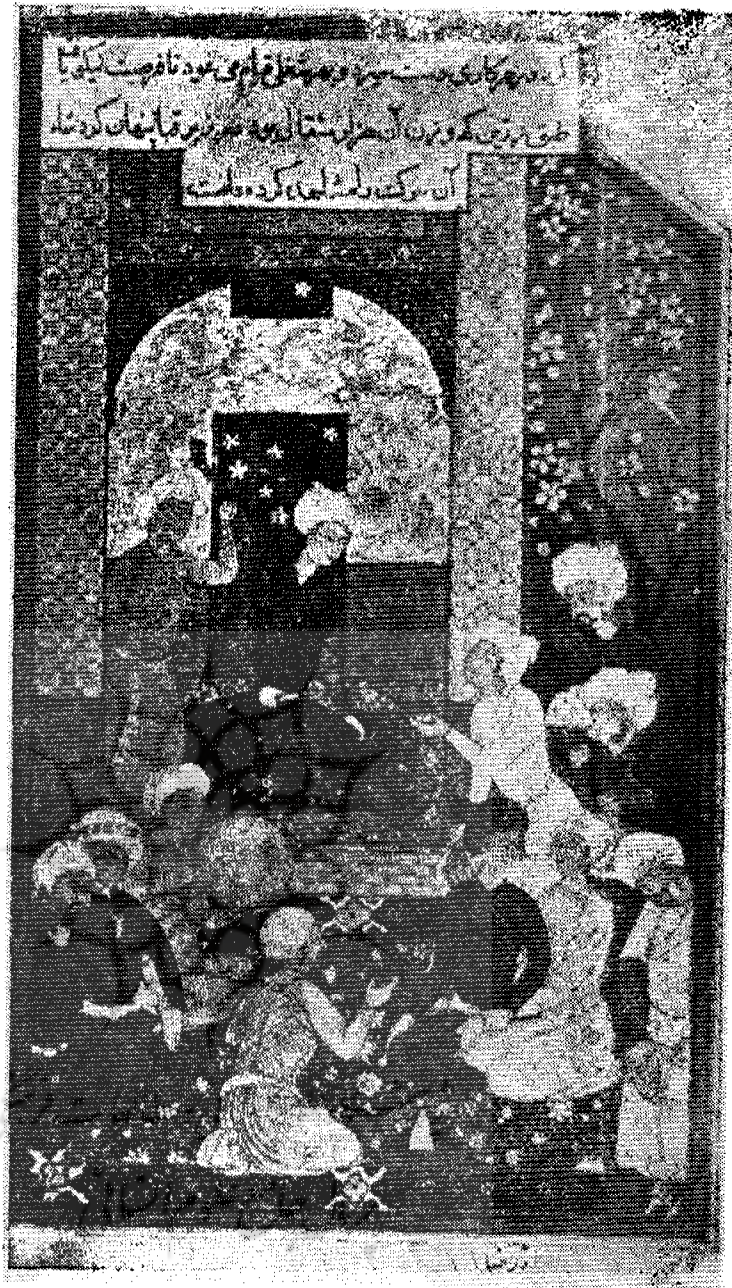
۳ - نقل از روی چاپ ۱۳۱۴ هـ تهران ص ۱۲۸ - ۱۲۹ (مترجم).

۴ - مؤلف کتاب Indian Paintings under the Mughals

5 - The Islamic Book.

6 - Grohmann.

۷ - ایضاً چاپ علی گر بوسیله آقای مهدی علی ص ۱۲۸.



تصاویر وی، شاهکار زمان است. در این روزگار او همتا ندارد. اگر در این زمان مصوران عبدالهی و بهزاد زنده ماندند، او را ستوده گفتند. پدرش آقا رضا هراتی، در شاهزادگی مرا خدمت کرد و خانه‌زاد بود. عمل تصویرسازی نادرالزمان از کار پدرش بهتر و برتر شمرده می‌شود. من او را پرورده و نواخته‌ام. استاد دیگر، استاد منصور نادرالعصر هم در تصویر و نقش‌سازی فرد و ستودنی است»^۷ . . .

از تاریخ عالم‌آرای عباسی و توزک جهانگیری پیداست که پدر آقا رضا، علی اصغر در خدمت سلطان ابراهیم، برادر سلطان اسماعیل صفوی دوم (م ۱۵۷۷) بوده، و خود آقا رضا و فرزندش ابوالحسن نادرالزمان، در خدمت دربار پادشاه نورالدین جهانگیر (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ هـ ۱۶۰۵ - ۱۶۲۷ م) بسر برده‌اند. علی اصغر با آقا میرک و سلطان محمد و غیرهم، بعد از تخت‌نشینی

سلطان ابراهیم در خدمت دربار در آمده بودند. آقا رضا گویا در کهن سالگی به شبه‌قاره آمده بود، اگرچه صاحب و تاریخ عالم آرای عباسی، در این مورد چیزی نگفته است. . . . جهانگیر، دو تن از مصوران دربار خود را، یکی بنام بشنداس، به همراهی «خان عالم» به دربار ایران فرستاده بود، ولی در تاریخ مزبور و تواریخ دیگر ایران، ذکری از ورود آنان به ایران دیده نمی‌شود.

یکی از فرزندان پادشاه جهانگیر بنام خسرو^۸ (م ۱۰۲۱ هـ) در شهر الله‌آباد بتأسیس باغی پرداخته بود که هنوز هم وجود دارد. باغ مزبور تحت نظارت آقا رضا تکمیل یافته، و نگارش زیر که روی درب «خسرو باغ» حکاکی شده، بدین قرار می‌باشد:

«حسب الحکم حضرت شاهنشاه جهان پناهی ظل‌الهی نورالدنیا محمد جهانگیر پادشاه غازی باهتنام مرید اخلاص آقا رضا مصور، این بنای عالی صورت انجام یافت».

نگارش منقول بخط عبدالله مشکین رقم است بصورت خط نستعلیق زیاد ظریف و زیبا پیداست که آقا رضا چون مصور بود، خطاطی را بیک نفر اهل فن واگذار نمود، والا خود وی می‌نوشت.

در موزه بریتانیا نسخه خطی نفیس «انوار سهیلی» مولانا حسین واعظ کاشفی سبزواری شماره ۱۸۵۷۹ مضبوط است با مضای آقا رضا. نمونه‌های برجسته تصاویر و مینیاتورهای آقا رضا در اثر معروف مارتیو ویمر بزبان فرانسه^۹ بعنوان «مینیاتورهای فارسی» می‌توان دید. تابلوها شماره ۱۷ و ۱۸ بویژه جالب است، و نویسندگانی که درباره هنر ایران توجه دارند، از آن کتاب نقل می‌کنند. نسخه مزبور در سال ۱۰۱۹ هـ بخط میر علی الکاتب نوشته شده و بعضی از مینیاتورهای عهد اکبر شاه هم در وی گنجانده شده است. در آخر نسخه خطی چنین آمده است:

«آقا رضا مرید، آقا محمد رضا مرید پادشاهی، محمد رضا مرید با اخلاص». این گونه کلمات را ارادتمندان آقا رضا اضافه نموده‌اند، و گویا بالتماس فرزند وی، ابوالحسن نادر الزمان. نمونه‌های دیگر مصوری و مینیاتورسازی آقا رضا را در کتاب م. گدارد بزبان فرانسه هم می‌توان مشاهده نمود.^{۱۰} در این کتاب شبیه و مینیاتور شخص با ریش است و در زیر تصویر چنین آمده است: «شاه سلیم - غلام با اخلاص آقا رضا مصور حرره فی تاریخ رمضان ۱۰۰۸ هـ». آقا م. گدارد متأسفانه نتوانسته که شبیه تصویر مزبور را درست بشناسد و از کلمه «سلیم» (که جزو اسم پادشاه جهانگیر) اینطور استنباط نموده که مینیاتوری درباره جهانگیر است، در صورتی که آن متعلق به متصوف معروف شبه‌قاره، شیخ سلیم شاه چشتی است، و شخص وی مانند متصوفه و سادات دیگر، در شبه‌قاره هند و پاکستان به لقب «شاه» هم مذکور می‌افتد. آقا رضا نسبت به آن عارف نامبردار ارادت داشته است. . . . آقا رضا گویا از اواسط قرن دهم تا آغاز عهد جهانگیر (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ هـ) زندگانی کرد، ولی متأسفانه اطلاعات ما درباره این هنرمند ایرانی، بس ناچیز می‌باشد.

۸ - از بطن بانویی بنام شاه‌بیکم (م ۱۰۱۲ هـ).

9 - Les Miniatures Persanes.

12 - M. Godard: Le Athar-i-Iran Paris 1936.